

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه (صفحات ۱۹۱ تا ۲۱۴)

<https://doi.org/10.71689/icsq.2025.1202368>

ضیاءالدین صبوری^۱

پندیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

چکیده

در فضای جدید جهانی، گروه‌های اجتماعی برای آغاز و به انجام رساندن اهداف اجتماعی- فرهنگی خود از ابزار جدیدی مانند فیس‌بوک، توئیتر، تلگرام و سایر اپلیکیشن‌های مشابه استفاده می‌کنند. نمود بارز این تحول، یک دهه پیش در اعتراضات فراگیر مردم مصر بر ضد حاکمیت وقت مشاهده شد. از سوی دیگر، سیاستمداران نیز با استفاده از شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر و فیس‌بوک ارتباطات وسیعی با مخاطبان خود گرفته‌اند؛ بنابراین، روابط بین‌الملل وارد فاز جدیدی از شکل ارتباطات شده است که مقاله حاضر با استفاده از روش تحقیق تحلیلی- توصیفی، به بررسی میزان درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و هم‌آوردی آن با روابط بین‌الملل فرهنگی پرداخته است. براین اساس، پرسش اصلی مقاله آن است که تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر دگرگونی و تحول روابط بین‌الملل فرهنگی چگونه است و این دو مؤلفه در چه ابعادی می‌توانند با یکدیگر همگرایی داشته باشند؟ فرضیه ما نیز این‌گونه بیان می‌شود که تحولات یک دهه اخیر نشان داده است که فضای مجازی به‌عنوان ابزاری جدید در راستای تغییر و اصلاح نگرش فرهنگ سیاسی شهروندان و در نتیجه، تغییر و دگرگونی نظام‌های سیاسی تأثیرگذار بوده و این تأثیرگذاری در آینده روابط بین‌الملل، به‌ویژه حوزه فرهنگ و روابط بین‌الملل فرهنگی می‌تواند به‌مراتب پررنگ‌تر در نظر گرفته شود. یافته‌های مقاله نیز بیانگر آن است که ورود شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در تحولات جهانی هم‌زمان دو تأثیر متضاد و متناقض داشته و هم‌زمان موجب هویت‌زایی و هویت‌زدایی شده است، اما بدون تردید در آینده جهانی می‌تواند تأثیرات بیشتر و عمیق‌تری بگذارد و به‌نوعی، همگرایی سنتی جهانی را به نفع خود تغییر دهد؛ بنابراین، نویسنده ملموس‌ترین نتیجه این فرایند در خاورمیانه نه‌چندان دور را رخنه‌پذیری فرهنگی، لرزان شدن پایه‌های حاکمیت‌ها، تغییر پارادایم فرهنگی و در نتیجه، نوعی کودتای ناخوانده و خزنده تحت عنوان «تغییر رژیم نامرئی و خودسامان فرهنگی» (Invisible Cultural Regime Change) در منطقه پیش‌بینی کرده است.

واژگان کلیدی: فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی، تحولات جدید، روابط بین‌الملل فرهنگی، جهانی‌شدن.

۱. دکتری تخصصی روابط بین‌الملل و رئیس انجمن علمی ایرانی روابط بین‌الملل، تهران، ایران: ziasabouri@gmail.com

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

۱- بیان مسئله

از نخستین روزهای ظهور اینترنت، بسیاری از فعالیت‌هایی که در حال حاضر کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی از خود بروز می‌دهند، از جمله ایجاد صفحات شخصی و ارتباط با دیگران از طریق واسطه‌هایی همچون اتاق‌های گفتگو و بلاگ‌ها امکان‌پذیر بود، اما این امکانات در شبکه‌های اجتماعی مجازی با یکدیگر ترکیب شدند. نخستین سایت‌های اجتماعی در اواخر دهه ۱۹۹۰ پا به عرصه وجود گذاشت. از نگاه بسیاری، فرندستر^۱ (Friendster) به‌مثابه نخستین شبکه اجتماعی فعال بر روی اینترنت است که تأثیرگذاری بالایی داشت. پس‌از آن بود که موجی از سایت‌های اجتماعی پدیدار گشت و در حال حاضر نیز توسعه شبکه‌های اجتماعی نوین ادامه دارد.

ظهور فیس‌بوک نیز در سال ۲۰۰۴ مرحله جدیدی در تاریخ شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به حساب می‌آید. پس از فیس‌بوک نیز شبکه‌های اجتماعی دیگر از توییتر گرفته تا تلگرام و اینستاگرام اضافه شدند که مورد استقبال سیاستمداران و کنشگران سیاسی قرار گرفته‌اند. از این‌رو، ما امروزه با یک واقعیت مجازی (Virtual Reality) روبه‌رو هستیم که در زندگی بشر وارد شده و به طرز خیره‌کننده‌ای در حال پیشرفت است (فاریابی و جوانمرد، ۱۳۹۳). این واقعیتی روشن است که امروزه ما از «حقیقت مجازی»، «دولت مجازی»، «انسان مجازی» و انبوهی از دیگر پدیده‌های مجازی سخن می‌گوییم؛ پدیده‌هایی که در ماهیت وجود دارند و روی همه امور زندگی ما اثر می‌گذارند، ولی درواقع فاقد هستی قابل تعین هستند و ما نیز قادر نیستیم در زمان و مکان معین انگشت روی آن‌ها بگذاریم و یا آن‌ها را به پاسخ‌گویی بخوانیم. مفاهیمی مانند قدرت، کشمکش، خشونت، نمایندگی، حق و تکلیف، مسئولیت، نهاد، آزادی، عدالت، دموکراسی و غیره، در دنیای جدید همه دست‌خوش تحول بنیادین شده‌اند.

مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی می‌کوشد تا با نگاهی گذرا به آنچه در یک دهه اخیر در خاورمیانه و برخی دیگر از کشورهای جهان رخ داده و تحولاتی که در پرتو آن به وجود آمده، به تأثیر فضای مجازی بر رویکرد روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در حوزه کنش‌گری فرهنگی بپردازد. براین اساس، پرسش اصلی مقاله آن

۱- شرکت فناوری اطلاعات مالزیایی است که در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد.

است که تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر دگرگونی و تحول روابط بین‌الملل فرهنگی چگونه است و این دو مؤلفه در چه ابعادی می‌توانند با یکدیگر همگرایی داشته باشند؟ فرضیه ما نیز این گونه بیان می‌شود که تحولات یک دهه اخیر نشان داده است که فضای مجازی به‌عنوان ابزاری جدید در راستای تغییر و اصلاح نگرش فرهنگ سیاسی شهروندان و در نتیجه، تغییر و دگرگونی نظام‌های سیاسی تأثیرگذار بوده و این تأثیرگذاری در آینده روابط بین‌الملل، به‌ویژه حوزه فرهنگ و روابط بین‌الملل فرهنگی می‌تواند به‌مراتب پررنگ‌تر در نظر گرفته شود.

۲. ادبیات پژوهش

سید علی رحمن‌زاده (۱۳۸۹) در مقاله «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی‌شدن» گریزی به بحث جهانی‌شدن فرهنگ و جایگاه شبکه‌های اجتماعی زده و در راستای تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی‌شدن، نخست به طرح موضوع پرداخته و سپس مفاهیم جهانی‌شدن، کنش ارتباطی، مشارکت ارتباط مؤثر، شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی را توصیف و در ادامه ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با جهانی‌شدن را تشریح کرده است. این مقاله، به‌مانند سایر پژوهش‌ها در این حوزه که در ایران منتشر شده‌اند، بیشتر به بحث جهانی‌شدن پرداخته و از آسیب‌شناسی و آینده‌نگری پرهیز داشته است.

علی‌اکبر فرهنگی، علیرضا قرائتی و حسن کربلایی حاجی اوغلی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر» با بیان این‌که مقوله دیپلماسی بیش از سایر حوزه‌های اجتماعی در معرض تأثیرپذیری از مشخصه‌های عصر ارتباطات بوده و روند تحولات، محتوا و شکل دیپلماسی را نیازمند بازتعریف و تغییرات ساختاری نموده، به اثبات این مدعا می‌پردازد که فضای مجازی در حال تغییر چارچوب‌های دیپلماسی و سیاست بین‌الملل است. برای این منظور، ابتدا به ارائه شواهدی از این امر می‌پردازد که رسانه‌ها و شبکه‌های پرنفوذ بین‌المللی با به‌کارگیری امکانات گسترده فضای مجازی ضمن عملیاتی کردن اهداف سیاست خارجی خود در کشورهای غربی، به‌طور خاص در امریکا هستند. در گام بعدی استدلال می‌شود که این رسانه‌ها از یک‌سوی با به‌کارگیری چرخه رسانه‌ای کارآمد و اتخاذ دیدگاه تعاملی به جذب مخاطب فعال می‌پردازند و از سوی دیگر با

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

بسیج افراد در شبکه‌های اجتماعی به همسو کردن اهداف و نمادین کردن آرمان‌های گروه‌ها و جماعت‌ها پرداخته و بر روند تحولات جهانی تأثیرگذار هستند؛ بنابراین، قابلیت رسانه‌های بین‌المللی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به تحولات و حرکت‌های اجتماعی - فرهنگی توسط بسیاری از اصحاب سیاست درک شده و بخش مهمی از اولویت‌های دیپلماسی را تشکیل می‌دهد.

اکرم زارع ابراهیم‌آباد و بی‌بی سادات میراسماعیلی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر تغییر هویت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران»، آورده است که: شبکه‌های اجتماعی مجازی نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی هستند که با این که عمر خیلی زیادی ندارند، توانسته‌اند به‌خوبی در زندگی مردم جا باز کنند. مردم بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در شبکه‌های اجتماعی مجازی کنار هم آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی با هم ارتباط برقرار می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگی در دنیای امروز دارند و نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. این سایت‌ها بر ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد و در سطح کشورها و حتی بین‌الملل تأثیرگذارند و به همین دلیل، در حال گسترش هستند و در آینده نقش به‌مراتب بیش‌تر و مهم‌تری را در زندگی بازی خواهند کرد. نویسندگان، هدف از انجام پژوهش را بررسی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان پرمخاطب‌ترین شبکه اجتماعی امروز و نقش آن در تغییر هویت فرهنگی و اجتماعی عنوان کرده و به‌عنوان جامعه آماری خود، دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در سال ۱۳۹۲ را مورد مطالعه پژوهش قرار داده‌اند.

مهدی بیگدلو و ناصر هادیان (۱۳۹۷) در مقاله «تأثیر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بر سمت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی کاربران دانشگاهی در ایران (مطالعه موردی وایبر و تلگرام)» بر این اعتقادند که ایفای نقش ملموس انواع شبکه‌های اجتماعی مجازی، طی سال‌های اخیر در ایران، این احساس کلی را ایجاد کرده که با افزایش سرعت تحول فنی این رسانه‌ها، سرعت تحول اجتماعی نیز افزایش خواهد یافت؛ چراکه ایفای کارکردهای مختلف، جایگاهی مناسب به این شبکه‌ها در جامعه ایرانی بخشیده و نادیده گرفتن آن‌ها را به‌طور تقریبی ناممکن کرده است.

حسنا کاظمی نجف آبادی، سید وحید عقیلی و علی دلاور (۱۳۹۷) در مقاله خود با عنوان «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری ارتباطات بین فرهنگی (در ایران)»، به بررسی اهمیت و تأثیرات این شبکه‌ها و شکل‌گیری و تغییرات ارتباطات بین فرهنگی در این فضا پرداخته‌اند. نویسندگان با توجه به پیشینه تحقیق و نظریاتی که مطرح شده و تحقیقاتی که انجام گرفته، بیان کرده‌اند که ارتباط‌گیری در فضای مجازی بدون پذیرش فرهنگ و پذیرش فرهنگ‌ها بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم، عقاید و در نهایت به وجود آمدن فرهنگی مشترک امکان‌پذیر نیست. ارتباطات بین فرهنگی در این فضا معمولاً به سمت جذب فرهنگ‌ها یا حداقل اثرپذیری از فرهنگ‌های دیگر شکل می‌گیرد. نویسندگان مقاله تأکید کرده‌اند که این ارتباطات قطعاً بر روابط ملت‌ها، مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و توسعه یا پسرفت آن‌ها نیز اثرگذار است.

اشرف کریمی راهجردی، عبدالعلی قوام، رها خرازی آذر و علی گرانمایه‌پور (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه شبکه اجتماعی مجازی و پیام‌رسان موبایلی در شکل‌گیری خرد جمعی» که به روش مصاحبه با یک جامعه آماری ۱۹ نفره از استادان و متخصصان انجام گرفته، به بررسی جایگاه رسانه‌های مبتنی بر موبایل در شکل‌گیری خرد جمعی پرداخته و مصاحبه‌شوندگان خرد جمعی را نوعی تصمیم‌گیری جمعی و مشارکتی بر مبنای نظام ارزشی و تجربیات مرجع با توان تشخیص و درک عمومی یک گروه انسانی نسبت به مسائل مشترک دانسته‌اند که حاصل هم‌افزایی، درک و تشخیص آحاد گروه در یک مشارکت ضابطه‌مند است و شاخص‌هایی چون مشارکت جمعی بر اساس منفعت جمعی، مشارکت مبتنی بر عقل جمعی و غیره را برای آن برشمرده و ابراز داشته‌اند که رسانه‌های مبتنی بر موبایل به سبب فرامرزی، کم‌هزینه بودن و گسترش آزادی بیان، محلی برای تضارب افکار عمومی شده‌اند و امکان اشاعه افکار عمومی از طریق مشارکت مستقیم شهروندان را فراهم آورده‌اند و بستر انعکاس واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی بدون سانسور و بدون جانب‌داری و اعطای فرصت یکسان به موافقان و مخالفان برای اظهارنظر، سبب شده تا گامی در راستای شکل‌گیری خرد جمعی برداشته شود.

سید مسعود موسوی شفقایی و سمیه خداخواه آذر (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲ و تحول کارگزاری در روابط بین‌الملل» تلاش

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

کرده‌اند تا نشان دهند که چگونه رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲، درک ما از کارگزاری در روابط بین‌الملل را متحول کرده است؟ این تغییرات چه کاربردی برای روابط بین‌الملل دارد؟ نویسندگان در پاسخ به این پرسش‌ها، این فرضیه را مطرح کرده‌اند که وب ۲ درک ما را از کارگزاری از دو طریق عمده تغییر داده است: اول این که امکان و بستر کارگزاری در سطح فردی را فراهم کرده است؛ دوم این که این کارگزاری فردی می‌تواند باتوجه به دستیابی آسان به اطلاعات و همچنین دسترسی به آن خارج از ساختار پیرامونش، تاحدی مستقل باشد که این امر به نوبه خود قدرت ساختارهایی که درون آن‌ها عمل می‌کنند را با چالش مواجه کرده است. یافته‌های این پژوهش، از یک سو نظریه‌های غالب بر روابط بین‌الملل را که از یک رویکرد دولت‌محور و ساختارگرا حمایت می‌کنند، مورد پرسش قرار داده و از دیگر سو نیاز به نظریه‌های انتقادی در مطالعه روابط بین‌الملل را برجسته کرده است. در این راستا مصداق‌هایی چون جنبش انقلابی مصر و گروه تروریستی داعش و همچنین جنبش جلیقه زردهای فرانسه نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

داود دعاگویان و محمدرضا خیراندیش (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی تحت تلفن همراه در روابط اجتماعی مناطق غربی تهران بزرگ (مورد مطالعه: تلگرام)»، بر تأثیر محتوای صوتی-تصویری و چندرسانه‌ای تلگرام بر روابط اجتماعی خانواده‌ها، تأثیر اشاعه فرهنگ هنجارشکنی اخلاقی در تلگرام بر روابط اجتماعی خانواده‌ها، تأثیر ایجاد هویت کاذب در تلگرام بر روابط اجتماعی خانواده‌ها، تأثیر اشاعه فرهنگ مدگرایی در تلگرام بر روابط اجتماعی خانواده‌ها و تأثیر اشاعه فرقه‌های نوظهور در تلگرام بر روابط اجتماعی خانواده‌ها تمرکز کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی تلگرام بیشترین تأثیر را بر ایجاد هویت کاذب و کمترین تأثیر را بر اشاعه فرقه‌های نوظهور دارد.

علیرضا عبدالحی نژاد و سندس محمدی نوسودی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «کنش‌گری اجتماعی در فضای مجازی (مطالعه موردی کنشگران کُرد عراق)»، بیان کرده‌اند که محدودیت‌هایی نظیر حزبی بودن رسانه در اقلیم کردستان باعث شده تا کنشگران کُرد عراقی نتوانند از مجراهای اصلی برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند. همین عوامل، کنشگران کُرد عراقی را به استفاده از رسانه‌های جایگزین که در مطالعه

حاضر، شبکه‌های اجتماعی هستند، برای فعالیت سوق می‌دهد. اصلی‌ترین مزایای شبکه‌های اجتماعی برای کنشگران کُرد کشور عراق شامل رواج شهروند خبرنگاری، از بین رفتن سانسور و کنترل دولت‌ها، امکان مقاومت و فعالیت سیاسی، درهم تنیدگی ابعاد آنلاین و آفلاین و برقراری ارتباط با کنشگران کُرد سایر کشورها هستند. یکی از بارزترین ویژگی‌های کنش‌گری کُردهای عراق در فضای مجازی، ارتباطی است که آن‌ها با کُردهای سایر کشورها پیدا می‌کنند و از این طریق می‌توانند به کنش‌های مشترکی در راستای هویت کُردی‌شان دست بزنند.

در میان آثار منتشرشده غیرفارسی‌زبان نیز کتب و مقالات زیادی در این زمینه به رشته تحریر در آمده است که در این مجال به محتوای برخی از مرتبط‌ترین این آثار اشاره می‌شود:

سادیکووا رایخانا و همکاران (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با عنوان «تعامل جهانی شدن و فرهنگ در دنیای مدرن»، معتقدند که امروزه جهانی شدن ثابت و حتی غیرقابل برگشت است. جهانی شدن بر تغییر الگوهای فرهنگی نیز تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، نفوذ متقابل گرایش‌های مختلف در هنر و تبادل آن‌ها اتفاق می‌افتد. جهانی شدن شتاب ادغام ملت‌ها در نظام جهانی را توصیف می‌کند. این امر به گسترش پیوندهای فرهنگی بین مردم و مهاجرت انسان کمک می‌کند؛ اما یک نقطه‌ضعف نیز وجود دارد که فرد با ترجیح دادن یک نوع هنر یکپارچه، متأسفانه گاهی اوقات فرهنگ خود را فراموش می‌کند. جوانان دیگر علاقه‌ای به فرهنگ ندارند. علاوه بر این، کمتر به توسعه هنر کشور به شیوه منحصر به فرد خود توجه می‌شود. هنر نیز شروع به خدمت به منافع بازار اقتصادی می‌کند. در ارتباط با این موضوع، بررسی فرآیندهای متقابل جهانی شدن و فرهنگ اهمیت پیدا می‌کند.

انصار امینی و مهدی اکبری صفت (۲۰۱۶) در مقاله «دیپلماسی جدید قطر و نقش شبکه الجزیره در تحولات دهه اخیر خاورمیانه» گریزی به تأثیرات فضای مجازی و نقش آن در تحولات روابط بین‌الملل خاصه منطقه خاورمیانه داشته است؛ اگرچه بحث اصلی این مقاله بیشتر حول محور تأثیرات شبکه الجزیره بوده و تنها مباحثی پراکنده را به آینده شبکه‌های جدید ارتباطی و فضای مجازی و ارتباط آن با مقوله روابط بین‌الملل فرهنگی اختصاص داده است.

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

مروان ام کراییدی (۲۰۱۷) که استاد دانشگاه پنسیلوانیا است، در کتابی با عنوان «همگرایی و گسستگی و گسست در فرهنگ دیجیتال جهانی: یک مقدمه» که بخش ویژه‌ای از مجله بین‌المللی ارتباطات را تشکیل داده و مشتمل بر مقالاتی است که در دومین سمپوزیوم دوسالانه CARGC در آوریل ۲۰۱۶ ارائه شدند، می‌نویسد: در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، این سؤال مطرح شد که «آیا فرهنگ جهانی وجود دارد؟» درحالی‌که مخالفان فکری درباره پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهانی شدن بحث می‌کردند، به بحث‌های داغ دامن زد. این مقالات وانمود نمی‌کنند که پاسخی جامع به وجود یا عدم وجود فرهنگ دیجیتال جهانی ارائه می‌دهند. در عوض، آن‌ها این سؤال را به‌عنوان یک انگیزش یا تحرک فکری برای بازبینی چگونگی ارتباط کلی با امر خاص، جهانی به محلی، دیجیتال با ماده می‌دانند. سؤالاتی که محور این مقالات هستند، عبارتند از: چگونه شبکه‌ها استقلال فردی و حاکمیت را تغییر می‌دهند؟ فرهنگ دیجیتال چگونه در تشکیلات دگراندیش، حاشیه‌ای، یا سرکش به گسست در سراسر جهان دامن می‌زند؟ فرهنگ دیجیتال چگونه بر نحوه کار و نقش افراد، نحوه تجربه و قضاوت زیبایی و نحوه اعتراض آن‌ها تأثیر می‌گذارد؟ اساساً آیا دیجیتالی شدن فصل جدیدی را در نحوه درک ما از خودمان نوید می‌دهد؟

هسو تیری زاو (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر فرآیند سازگاری فرهنگی: مطالعه بر روی دانشجویان بورسیه دولت چین»، معتقد است که در عصر جهانی شدن، رسانه‌های اجتماعی با کارکردهای کاربرپسند و مؤثر خود در زندگی روزمره محبوبیت بیشتری پیدا می‌کنند. رسانه‌های اجتماعی از مردم سراسر جهان در برقراری ارتباط، ملاقات با افراد جدید، اجتماعی شدن، به اشتراک‌گذاری دانش، یادگیری تجربیات مختلف و تعامل با یکدیگر به جای دوری و جدایی بین افراد حمایت می‌کنند. علاوه بر این، رسانه‌های اجتماعی می‌توانند افزایش سطح سازگاری بین فرهنگی افرادی را که در جوامع جدید با تجربیات فرهنگی متفاوتی روبرو هستند، تشویق کند. این مقاله نشان می‌دهد که مردم از رسانه‌های اجتماعی برای سازگاری بیشتر با فرهنگ‌های جدید کشورهای میزبان و حفظ ارتباطات خود با کشورهای خود استفاده می‌کنند. نویسنده در این پژوهش خود با استفاده از مصاحبه عمیق با روش کیفی و مطالعه بر روی ۱۵ دانشجوی بین‌المللی که با حمایت برنامه بورسیه دولت چین در حال تحصیل

در چین هستند، تلاش می‌کند تا دریابد که چگونه رسانه‌های اجتماعی فرآیند سازگاری بین فرهنگی را شکل می‌دهند و ارتباط خود را با کشورهای خود پیوند می‌دهند. در این مقاله بسته به نتیجه تجزیه و تحلیل، بحث‌ها به‌طور آشکار در مورد تأثیر رسانه‌های اجتماعی در فرآیند سازگاری فرهنگی بیان می‌شود.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در هیچ‌کدام از مقالات مرتبطی که مورد بررسی قرار گرفت، نقش و جایگاه شبکه‌های مجازی در تحولات روابط بین‌الملل فرهنگی مورد تدقیق قرار نگرفته و همین مسئله می‌تواند شاهد و مؤیدی بر نوآوری در مقاله حاضر باشد.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش، از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه منابع اصلی و فرعی و همچنین تفسیری استفاده شده است. به این ترتیب که در مرحله اولیه کار، منابع و ادبیات پژوهش مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و سپس با تعیین سرفصل‌ها و زیرمجموعه‌های تحقیق، فیش‌برداری شده و در ادامه، داده‌ها در راستای تأیید فرضیه پژوهش مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته و در پایان کار جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه خواهد شد.

۴. تحلیل

۴-۱. شبکه‌های اجتماعی و دوگانه همگرایی و واگرایی

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نظیر مای اسپیس، فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های مشهور اجتماعی، از زمان ابداع میلیون‌ها نفر را جذب خود ساخته و کاربران متعددی دارند که بیشترشان اجتماع در این شبکه‌ها را در زمره فعالیت‌های روزمره زندگی‌شان قرار داده‌اند. برخی از این شبکه‌ها به افراد ناآشنا با یکدیگر کمک می‌کنند تا بر پایه علایق‌شان با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، از جمله پیرامون دیدگاه‌ها و فعالیت‌های سیاسی‌شان با یکدیگر به تبادل نظر بپردازند، بر پایه نژاد یا زبان مشترک، اشتراکات مذهبی و جنسیتی و یا هویت ملی مشترک به گفتگو و تبادل نظر با یکدیگر بنشینند (بوید و الیسون، ۲۰۰۷: ۴۵). افراد در شبکه‌های اجتماعی مجازی حول محوری مشترک جمع می‌شوند و جماعت‌های آنلاین را تشکیل می‌دهند (قاسم‌زاده، ۱۳۹۱: ۸-۱۱)؛ بنابراین، شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به‌عنوان رسانه‌های جدیدی در نظر گرفت که در ساختارهای

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی ایجاد کرده‌اند. این شبکه‌ها با ایجاد امکانات تعاملی، در افزایش مشارکت و کنش‌گری شهروندان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی مؤثر هستند (محمود اوغلی، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

اساساً کنش اجتماعی که ریشه آن را «موضوع مطالعه شده جامعه‌شناسی» می‌داند، در محیط اجتماعی معنا و مفهوم می‌یابد (روشه، ۱۹۲۲: ۱۹). از نظر کاستلز، مفهوم کنش‌گر به گستره‌ای از موضوعات مرتبط با کنش همچون کنشگران فردی، کنشگران گروهی، سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها اشاره دارد. حتی اگر این عملکرد به واسطه فرایندهایی در گذشته، نهاده یا سازمان‌دهی شده باشد، آنچه مهم تلقی می‌شود، این است که در نهایت همه سازمان‌ها، نهادها و شبکه‌ها به گونه‌ای بر عملکرد کنش‌گران انسانی دلالت می‌کنند (کاستلز، ۲۰۰۹: ۱۱). برخی معتقدند کاربرانی که به عنوان یک فعال اجتماعی یا هوادار در یک شبکه اجتماعی عضو می‌شوند و در آن شبکه به تولید محتوای رسانه‌ای مشغول هستند، کنش‌گر محسوب می‌شوند (خانیک و بابایی، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۲). بنابراین، کنش‌گری، توانایی و برخورداری از اراده و قابلیت‌های کنش اجتماعی و به کارگیری ابزارها، نمادها و نشانه‌ها در چارچوب ارزش‌های اجتماعی و سازوکارهای موجود در فناوری‌ها، برای انجام ارتباط متقابل است. از این رو، کنش‌گری اجتماعی مهم‌ترین رهاورد و ارمغان شبکه‌های اجتماعی جدید است که به جوامع دیجیتال شده اعم از جوامع واقعی و مجازی جدید تشخیص بخشیده و به وجه تمایز تاریخی جوامع جدید از جوامع سنتی سابق تبدیل شده و امکان ارتباطات گسترده در مقیاس بسیار بزرگ و در میان ملت‌ها و جوامع بسیار دور از هم را در کسری از ثانیه فراهم ساخته است.

اما به رغم آن که شبکه‌های اجتماعی مجازی با هدف دسترسی سریع و وسیع طراحی شده‌اند، بسیاری از این شبکه‌ها در وهله نخست و عمدتاً گروه‌های همگن را جذب می‌کنند. از این رو، دور از انتظار نیست که گروه‌ها، ملیت‌ها، پیروان مذاهب گوناگون و تحصیل‌کردگان رشته‌های مختلف از این شبکه‌ها با هدف متمایز ساختن خود از دیگران استفاده کنند که به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان، جامعه را دچار چندپارگی می‌کند و این، از جمله مهم‌ترین انتقاداتی است که به این شبکه‌ها وارد می‌شود (بوید و الیسون، ۲۰۰۷: ۴۷).

۲-۴. شبکه‌های اجتماعی و هویت مجازی

اگر تجربه ما از واقعیت، در یک نظام رسانه‌ای بازنموده شود «واقعیت مجازی» شکل می‌گیرد. از این رو، حتی آنچه را واقعیت می‌دانیم، تصویر یا نمادی از واقعیت و بنابراین، در شمول تعریف امر مجاز است. به عبارت دیگر، هیچ امر غیرمجازی نزد قوه فاهمه ما موجود نیست (حبیبی فہیم، ۱۳۹۰: ۵۳). بنیادگذاران نهیلیسم (نیچه و هایدگر) پا را از این نیز فراتر گذاشته‌اند. فلسفه نهیلیسم بر آن است که میان حقیقت و مجاز، جوهر و عرض، عقلایی و غیرعقلایی تمایزی وجود ندارد، زیرا به غیر از زبان و مفاهیمی که به روایات وهمی تبدیل شده‌اند، هیچ حقیقت برتر و متعالی‌ای وجود ندارد که مبنای وجود آن‌ها باشد. حال که نهادی برتر وجود ندارد که به طور عینی پایه‌گذار و مبنای این مفاهیم باشد، ناچاریم به تفسیر بی‌پایان ارزش‌های ذهنی متوسل شویم (شایگان ۱۳۹۳: ۲۷۳).

شبکه‌های اجتماعی مجازی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متفاوت از دنیای واقعی، از جمله تغییرات بنیادین در مفاهیم زمان و مکان، ایجاد روابط نمادین و ارتباط هم‌زمان و مستقل از فاصله و مکان، فرا زمان و بی‌مکان بودن، استقلال نسبی از قوانین دولت‌ها و گمنام بودن کاربرها و جعلی بودن مشخصات کاربری، ارتباط با افرادی از فرهنگ‌های دیگر و غیره، می‌توانند حوزه‌های جدیدی را خلق کرده، باعث تغییرات گسترده‌ای در هویت و سبک زندگی کاربران شوند. نظریه پردازان، این تحول در عالم ارتباطات را مبدأ عصر جدیدی دانسته و از آن با نام‌های مختلفی نظیر دهکده جهانی (مک لوهان)، جامعه مدنی جهانی (دیوید هلد)، مدرنیته دوم (اولریش بک)، جامعه شبکه‌ای (مانوئل کاستلز)، جهان رها شده (آنتونی گیدنز)، مدرنیته سیال (زیگموند باومن)، جهانی - محلی شدن (رابرتسون) و غیره، یاد کرده و به تبیین تأثیرات این شبکه‌ها بر کاربران و مخاطبان پرداخته‌اند.

صاحب‌نظران معتقدند که اینترنت می‌تواند بهترین نماد رسانه‌ای/ مجازی شدن زندگی اجتماعی و سیاسی امروزی و با دیدی مثبت، بستری برای کنش صداهای متکثر و هم‌ارز محسوب شود. این رسانه در حقیقت «همان پیام» به نظر می‌رسد، زیرا ساختار آن ارزش‌هایی چون کثرت دیدگاه‌ها و تمرکززدایی از افکار را تقویت نموده و به مثابه «رسانه‌ای خودگزین» به افراد امکان می‌دهد هر آنچه را که مایلند، در هر زمان که می‌خواهند، ببینند. سیستمی چندرسانه‌ای (مالتی مدیا) که برخلاف برنامه‌سازی گزینشی و

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

ساختار بسته رسانه‌های سنتی، ساختار باز و تعاملی دارد که در آن، طرفین ارتباط توأمان هم‌گوینده و هم‌شنونده هستند (هوگیوین، ۲۰۰۴: ۱۵۸)

مجازی‌سازی و عرضه منابع هویتی گوناگون توسط اینترنت، موجب تکثیر هویت فرد می‌شود. فعالان شبکه‌های مجازی در مقام شهروندان مجازی یا شبکه‌وندان با کار جمعی، انتقال مطالب و گفتگو نشان می‌دهند که در فضای مجازی نیز می‌توان همچون یک شهروند آگاه و فعال به کنش‌گری سیاسی پرداخت (وولکاک، ۲۰۰۰: ۳۶). سرمایه اجتماعی به‌مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی است که با کنش‌های هدفمند قابل دسترسی یا گردآوری است (لین، ۲۰۰۱: ۷). سرمایه اجتماعی دارای معرف‌های دور و نزدیک است. معرف‌های نزدیک سرمایه اجتماعی، نتایج سرمایه اجتماعی هستند که شامل اجزایی مانند اعتماد، عمل متقابل و شبکه‌های اجتماعی هستند. فعالیت‌های مدنی به‌عنوان معرف شبکه‌های اجتماعی مثالی از معرف نزدیک سرمایه اجتماعی است. معرف‌های دور، نتایج سرمایه اجتماعی هستند که به‌طور مستقیم به اجزای کلیدی مربوط نیستند (استون، ۲۰۰۱: ۲۷).

جهان‌گستری جامعه اطلاعاتی دستاوردهای متعددی داشته است. کثرت‌گرایی سیاسی از جمله دستاوردهای مهم آن بوده است که علاوه بر تضعیف استقلال و حاکمیت دولت‌ها (نای، ۲۰۰۹: ۴۱)، مرزها معنای سنتی خود را از دست داده و دیگر این دولت‌ها نیستند که معیارهای سلوک مناسب را وضع می‌کنند. دستاورد مهم دیگر، پدیده کثرت‌گرایی فرهنگی است که افراد جوامع را به شناسایی و حتی گرامیداشت هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر، همان‌گونه که هستند، دعوت می‌کند. این مفهوم، متناقض‌نما و لازمه «وحدت تنوع» است؛ زیرا تجلی دل‌بستگی‌های محلی و هویت‌های خاص و درعین‌حال، مستلزم وحدت است. از همین رو، برای دولت‌های عمدتاً غیردموکراتیک جنوب زنگ خطر را به صدا درآورده است و دقیقاً به همین دلیل است که بسیاری از دولت‌های غیردموکراتیک تلاش می‌کنند تا محدودیت‌های خاصی برای رسانه‌های جهانی وضع کنند.

اهمیت فرهنگ در تحولات اخیر جهان به حدی است که برخی از اندیشمندان از ظهور قاره ششم سخن گفته و قرن بیست و یکم را قرن فرهنگ و پارادایم‌های فرهنگی می‌نامند (سینایی و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). در این جهان جدید روابط اجتماعی

تشدید شده و جوامع دور از هم به یکدیگر نزدیک می‌شوند. حوادث مرکز و تحولات محلی به نحوی دیالکتیکی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه، برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع افزایش می‌یابد. از این رو، فرهنگ از بسیاری جهات مستقیم‌ترین، بدیهی‌ترین و قابل رؤیت‌ترین عنصری است که پیوندها از طریق آن در زندگی روزمره تجربه می‌شوند. این روند می‌تواند نتیجه‌ای از تفاهم و درک متقابل و نیروی فرهنگی در تحولات اخیر باشد (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). در دنیای جدید ما، این نظام فرهنگی است که بر نظام‌های سیاسی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. لذا به تعبیر واترز، می‌توان انتظار داشت که اقتصاد و سیاست تا آنجا جهانی شوند که با فرهنگ درآمیزند (واترز، ۱۳۷۹: ۲۱). فوکویاما از گفتمان جدیدی سخن می‌گوید که امکان تأکید بر تفاوت‌ها و تمایزهای فرهنگی را برای افراد و ملت‌ها فراهم آورده و فرهنگ‌ها می‌توانند نسبت به هویت خاص و منحصر به فرد خود حساسیت نشان داده و مدافع و حامی آن باشند (فوکویاما، ۱۳۸۱: ۸).

وجود تنوع، گوناگونی و کثرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین ویژگی‌های جهان کنونی به شمار می‌آید تا آنجا که حتی دموکراسی‌های امروزی نیز به خاطر عدم توجه کافی به چگونگی برخورد و رفتار با پیچیدگی، آمیختگی و پلورالیسم فرهنگی درون جوامع خویش با بحران مواجه شده‌اند (ملوچی، ۲۰۰۰: ۵۰۷). در پاسخ به چنین وضعیت بغرنجی است که بسیاری از کشورها سازوکارهای نوینی برای سازگاری با تفاوت ایجاد کرده‌اند (باقرامیان و اینگرام، ۲۰۰۰: ۲۸۸).

۳-۴. شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ سیاسی

اجزا و عناصر فرهنگ توانایی چشمگیری در تأمین نیاز انسان‌ها به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند... فرهنگ هم تفاوت‌آفرین و هم انسجام‌بخش است. هنگامی که از فرهنگ سخن می‌گوییم به روش‌هایی اشاره داریم که انسان‌ها به صورت فردی و جمعی، از طریق ارتباط با دیگران زندگی خود را معنادار می‌کنند (تامپلسون ۱۳۸۱: ۳۷). بر این اساس، فرهنگ سیاسی نقش اساسی در شکل دادن به عرصه سیاسی دارد. همان‌گونه که زبان عامل ایجاد روابط بین‌الذهانی در یک جامعه است و به مردمی که نظام زبانی مشترکی را به کار می‌برند، توانایی برقراری ارتباط معنادار با یکدیگر داده و معناهای نهفته را بازنمایی می‌کند، فرهنگ سیاسی نیز می‌تواند زیربنای کنش‌نخبگان و

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

ابزاری برای بازنمایی معنای آن رفتارها باشد. اصولاً این‌که چه اطلاعاتی در امر حکومت‌داری مدنظر قرار بگیرد یا نگیرد، چه رویدادهایی برای فرمانروایان مهم باشد یا نباشد، چه اهداف و یا چه منافع برجسته شوند یا نشوند (چگونگی سیاست‌ورزی و غایات سیاست) همگی تحت تأثیر فرهنگ سیاسی یا همان الگوهای رایج ذهنی هستند (گل‌محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۹) چراکه فرهنگ سیاسی تصورات و اعتقادات مشترکی را که بنیادهای اصلی زندگی سیاسی یک کشور را تشکیل می‌دهد، تعیین می‌کند.

فرهنگ سیاسی ضمن تعیین و تعریف امر سیاسی، نهادها، مقامات و اندرکنش‌های سیاسی را ایجاد، توجیه و یا تقبیح می‌کند. درواقع، فرهنگ و فرهنگ سیاسی، همان الگوهای فکری، احساسی و عملی یا نظام‌های ذهنی است که نگاه فرد، گروه و ملتی را به جهان یا برداشت آنان را از جهان شکل می‌دهد. به همین دلیل است که گفته می‌شود فرهنگ سیاسی هر ملت بر رفتار سیاسی فرمانروایان و شهروندان آن ملت تأثیرگذار است.

رشد بی‌سابقه رسانه‌های ارتباط جمعی و تکنولوژی اطلاعات باعث به هم پیوستگی فراینده فرهنگی در سراسر جهان شده و انسان‌ها به صورتی آگاهانه در جامعه جهانی ادغام شده و تحولی همه‌جانبه در طبیعت روابط اجتماعی رخ داده است. از نظر برخی که عمدتاً از دیدگاه مارشال مک‌لوهان درباره دهکده جهانی الهام گرفته‌اند، در عصر جهانی شدن به سمت همگون شدن فرهنگ‌ها پیش می‌رویم و جهانی شدن فرهنگ، تمام مرزهای ملی، محلی و قومی را از میان برداشته و بدین‌سان، فرهنگی جهانی و یکپارچه (همان فرهنگ غرب) را در سراسر جهان برقرار می‌سازد. در مقابل، عده‌ای بر این اعتقادند که در عصر جهانی شدن تضاد و تنوع فرهنگ‌ها و در نتیجه، نسیت فرهنگی پیش می‌آید. در دیدگاهی دیگر، وجود هر دو جریان باهم مطرح می‌شود. جهانی شدن در همین حال که جنبه‌هایی از زندگی در دنیای مدرن را یک‌دست می‌کند، تفاوت‌های فرهنگی و هویتی را نیز تقویت و احیا می‌کند.

رونالد رابرتسون معتقد است تنوع و تکثر فرهنگی با ظهور یک فرهنگ مشترک جهانی منافاتی ندارد؛ زیرا عرصه جهانی، عرصه پلورالیستی است که در آن، تعاریف تمدنی، قاره‌ای، منطقه‌ای، ملی و تعاریف گوناگون دیگری که در رجوع به وضعیت جهانی ساخته می‌شود، وجود دارد؛ اما این تکثر تمام‌عیار ناگزیر باید متکی به اصل کلی

ارزش گوناگونی فرهنگی با ارجاع خاص به این فکر باشد که این گوناگونی هم فی‌نفسه و هم برای نظام و واحدهای درون آن واحد واجد خیر است (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۱۵۳). بنابراین، در چنین فضایی فرهنگ‌ها سه راه پیش روی دارند: انفعال و تسلیم در برابر جهانی شدن فرهنگ، مبارزه با فرایند جهانی‌شدن و نسبی شدن فرهنگی و رقابت و حتی آمیزش و تحول (فرج‌الله‌زاده سنجید، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۲۸). این که در جوامع مختلف، فرهنگ‌های حاکم چگونه در برابر فشار واقعیت مجازی تاب‌آوری داشته یا در فرهنگ مهاجم هضم شده و به تغییر یا تبدل فرهنگی تن دهند، به میزان کنترل‌ها و هزینه‌هایی دارد که دولت‌ها و حاکمیت برای مقاومت در برابر تغییرات سهمگین فضای مجازی و روابط شبکه‌ای از خود نشان داده یا خواهند داد.

۴-۴. درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و روابط بین‌الملل فرهنگی

جامعه اطلاعاتی نوین به طرز اجتناب‌ناپذیری در حال تکوین است و دیر یا زود کشورهای جهان سوم را در بر خواهد گرفت. از این رو، تصمیم‌گیری درباره گسترش شبکه‌های اجتماعی نه یک انتخاب، بلکه امری ناگزیر است. ورود فضای مجازی به روابط بین‌الملل، مقارن تکثر فرهنگی و رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت است. درواقع، جریان جهانی اطلاعات و روابط بین‌الملل با فرسایش و نفوذپذیر کردن مرزهای ملی، زمینه جدایی جامعه، روابط اجتماعی و فرهنگ را از نهاد دولت-ملت فراهم و بازتعریف مسائل اجتماعی-ملی به مثابه مسائل جهانی را گریزناپذیر کرده است. در سایه ارتباطات بین‌فرهنگی در روابط بین‌الملل که حاصل توسعه فضای مجازی است، جریان‌ها و شبکه‌های جهانی اطلاعات و قدرت، عرصه را چنان بر دولت تنگ می‌کنند که از انجام تعهدات خود، به‌ویژه تعهدات رفاهی عاجز می‌ماند؛ بنابراین، مشروعیت دولت روز به روز کاهش می‌یابد و به تبع آن، حتی اعتبار و ارزش نظام سیاسی نیز زیر سؤال می‌رود (کاستلز، ۱۹۹۷: ۳۴۳).

اکنون فرهنگ جهانی متعلق به تمدن بشری، به قول داریوش شایگان، نوعی «آگاهی جهانی» ایجاد کرده است که در حوزه وسیعی از باورهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از طریق تغییرات و تحولات تکنولوژیک و رسانه‌ای تقویت شده است (قرلسفلی، ۱۳۹۵: ۱۴۸)؛ بر این اساس، در بستر همین آگاهی فرهنگی و تمدنی ملت‌ها، امروزه مفهوم امنیت ملی، استقلال سیاسی، هویت فرهنگی به کلی تغییر یافته و ادراکات

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

ما از این تحول، کاملاً دگرگون شده است.

بنابراین، باید گفت که فرهنگ از مباحث بینارشته‌ای است که با نگاهی به تحولات شگرف دو دهه اخیر به‌خوبی می‌توان دریافت که در شرایط جهانی و منطقه‌ای به کلی دگرگون شده و به همین دلیل، معادلات گذشته تغییر ماهیت داده‌اند. سایت‌های اجتماعی اینترنتی به واسطه سرشت خود و امکاناتی که در اختیار کاربران‌شان قرار می‌دهند، بر افزایش سطح کنش‌گری سیاسی کاربران‌شان اثرگذارند. شبکه‌های اجتماعی مجازی و به‌ویژه سایت‌های اجتماعی پشتیبانی‌کننده از این شبکه‌ها در فضای مجازی از توانایی بالقوه برای تأثیرگذاری بر سطوح مختلف روابط ملی و بین‌المللی سیاسی برخوردارند و چگونگی استفاده کاربران‌شان از آن‌ها که خود به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی بستگی دارد، سمت‌وسوی تأثیرگذاری این شبکه‌ها را تعیین می‌کند. برخی از پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بر این اعتقادند که قدرت‌گیری فضای مجازی می‌تواند تأثیرات زیادی بر شکل روابط بین‌الملل و دولت داشته باشد. این در حالی است که به‌صورت سنتی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل و علوم سیاسی جایگاه و نقش برجسته‌ای برای نهاد دولت قائل هستند و نمی‌خواهند امکان فروپاشی نهایی دولت - ملت‌ها و فرهنگ‌های ملی را مد نظر قرار دهند. لذا می‌توان تأثیر فضای مجازی را به‌صورت پدیده‌ای دو چهره و ژانوسی تعریف کرد: زخم‌آفرین و مرهم‌آفرین، هویت‌زا و هویت‌زدا، ایجادگر بحران و تدبیرگر آن، تعمق‌بخش دموکراسی و عقیم‌سازنده آن. به همین دلیل است که گفته می‌شود رسانه‌ها، حکم فارماکون افلاطون را دارند، هم زهر و هم پادزهرند. همین محیط ارتباطی چندرسانه‌ای فراگیر که ذهن سیاسی را در شبکه‌های رسانه‌ای حصر می‌کند، می‌تواند واسطه‌ای برای بیان تنوع پیام‌های آلترناتیو در عصر خود - ارتباط‌گیری جمعی باشد.

۵. نتیجه‌گیری

گزاره‌های اصلی تحولات و چالش‌های پیش روی روابط بین‌الملل فرهنگی و در نتیجه، تأثیرات عمیق آن بر آینده نه‌چندان دور در منطقه خاورمیانه را می‌توان به‌صورت سلسله تحولات علی و معلولی زیر شرح و بسط داد:

۱. کنش‌گری، توانایی و برخورداری از اراده و قابلیت‌های کنش اجتماعی و

به کارگیری ابزارها، نمادها و نشانه‌ها در چارچوب ارزش‌های اجتماعی و سازوکارهای موجود در فناوری‌ها، برای انجام ارتباط متقابل است. ازاین‌رو، کنش‌گری اجتماعی مهم‌ترین رهاورد و ارمغان شبکه‌های اجتماعی جدید است که به جوامع دیجیتالی‌شده اعم از جوامع واقعی و مجازی جدید تشخص بخشیده است.

۲. بسیاری از این شبکه‌ها در وهله نخست و عمدتاً گروه‌های همگن را جذب می‌کنند. ازاین‌رو، کاربران این شبکه‌ها با هدف متمایز ساختن خود از دیگران، به کنش‌گری می‌پردازند که به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان، جامعه را دچار چندپارگی (Fragmentation) می‌کند.

۳. شبکه‌های اجتماعی مجازی با ویژگی‌های منحصربه‌فرد و متفاوت از دنیای واقعی، می‌توانند در بستری جدید تحت عنوان واقعیت مجازی (Virtual Reality)، حوزه‌های جدیدی را خلق کرده و باعث تغییرات گسترده‌ای در هویت و سبک زندگی کاربران شوند.

۴. مجازی‌سازی و عرضه منابع هویتی گوناگون توسط اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، موجب تکثیر هویت فرد می‌شود و فعالان شبکه‌های مجازی در مقام شهروندان مجازی یا شبکه‌وندها همچون یک شهروند آگاه و فعال به کنش‌گری سیاسی می‌پردازند.

۵. پدیده کثرت‌گرایی سیاسی (Political Pluralism) به تضعیف استقلال و حاکمیت دولت‌ها و تغییر مفهوم مرزها منجر شده و پدیده کثرت‌گرایی فرهنگی (Cultural Pluralism) افراد جوامع را به شناسایی و حتی گرامیداشت هویت‌ها و فرهنگ‌های دیگر، همان‌گونه که هستند، ترغیب می‌کند.

۶. گسترش شبکه‌های اجتماعی زنگ خطر را برای دولت‌های عمدتاً غیردموکراتیک جنوب به صدا درآورده و لذا بسیاری از دولت‌های غیردموکراتیک تلاش می‌کنند تا محدودیت‌های خاصی برای رسانه‌های جهانی وضع کنند.

۷. در جهان جدید، روابط اجتماعی تشدید و جوامع دور از هم به یکدیگر نزدیک شده و حوادث مرکز و تحولات پیرامون، به نحوی دیالکتیکی بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه، برقراری پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع افزایش می‌یابد. ازاین‌رو، نظام فرهنگی بر نظام‌های سیاسی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

۸. امروزه دولت‌ها- حتی دموکراسی‌های امروزی- به خاطر عدم توجه کافی به چگونگی برخورد و رفتار با پیچیدگی، آمیختگی و پلورالیسم فرهنگی درون جوامع خویش با بحران مواجه شده‌اند.

۹. رشد بی‌سابقه رسانه‌های ارتباط جمعی و تکنولوژی اطلاعات باعث به هم پیوستگی فراینده فرهنگی در سراسر جهان شده و انسان‌ها به صورتی آگاهانه در جامعه جهانی ادغام شده و تحولی همه‌جانبه در طبیعت روابط اجتماعی رخ داده است.

۱۰. ورود فضای مجازی به روابط بین‌الملل، مقارن تکثر فرهنگی و رهایی امر اجتماعی از سیطره دولت است که روابط بین‌الملل را با فرسایش و نفوذپذیری مرزهای ملی مواجه و زمینه جدایی جامعه، روابط اجتماعی و فرهنگ را از نهاد دولت-ملت فراهم و بازتعریف مسائل اجتماعی-ملی به مثابه مسائل جهانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

۱۱؛ بنابراین، در سایه تغییرات و تحولات تکنولوژیک و در امتداد آگاهی جهانی و ارتباطات بینا فرهنگی در روابط بین‌الملل جدید فرهنگی، سرعت و شتاب جریان‌ها و شبکه‌های جهانی اطلاعات و قدرت، فرصت انجام تعهدات، به‌ویژه تعهدات رفاهی را از دولت‌ها گرفته و از همین رو، مشروعیت دولت‌ها روزبه‌روز کاهش یافته و اعتبار و ارزش نظام‌های سیاسی نیز با چالش مواجه می‌شود.

۱۲. کاسته شدن از اعتبار و مشروعیت دولت‌ها به افول جایگاه و فقدان مشروعیت و تبع آن، فرسایش و زوال تدریجی حاکمیت‌ها را در پی داشته و بحران مشروعیت حاکمیت به تغییرات خردکننده و سهمگینی در ساختار قدرت‌های حاکم و جانشینی آلترناتیوهای مطلوب شبکه‌وندان منجر خواهد شد.

بنابراین، با عنایت به اثرگذاری روزافزون شبکه‌های اجتماعی که به مجموعه‌ای از تحولات شتابنده و پیچیده در جوامع امروز منجر شده، پیش‌بینی می‌شود که جوامع فرهنگی خاورمیانه بیش‌ازپیش از تأثیرات همگراکننده و واگراکننده این تحولات متأثر شده و فرایند درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی در فضای روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه در آینده‌ای نه‌چندان دور به تأثیرات و تحولات عمیقی بینجامد. به عبارت دیگر، با تغییر اساسی و بنیادین در مفهوم کنش‌گری، امروزه ما با پدیده نوینی تحت عنوان «کنش‌گری شبکه‌ای» مواجه شده و این خود منجر به تولید محتوای بی‌سابقه در عرصه فرهنگی می‌شود که اعضا و کنشگران جوامع، با ایفای نقش جدید

خود به عنوان کنشگران شبکه‌ای و با به کارگیری ابزارها، نمادها و نشانه‌ها در چارچوب ارزش‌هایی که دائماً بازتولید می‌شود، به دست کاری در عناصر فرهنگ پرداخته و فرایند تکرارشونده تغییر نگرش افکار عمومی نسبت به ارزش‌های اجتماعی، به بازاندیشی و بازتعریف مؤلفه‌ها و عناصر فرهنگی و در نتیجه به ایجاد چالش در عرصه ارزش‌های حاکم بر جوامع می‌شود.

ایجاد تدریجی خرده گفتمان‌های معارض و تأثیر گذاری و تغییر پارادایم گفتمانی، به پیش‌زمینه‌ای برای تغییرات فرهنگی گسترده در متن جوامع فرهنگی در سطح ملی و منطقه‌ای تبدیل شده و بدین ترتیب، چالش‌های بزرگی را برای دولت‌ها و حاکمیت‌ها به ارمغان می‌آورد. چراکه در فرایند تحولات فرهنگی و تغییر نگرش‌های سیاسی و بازتعریف فرهنگ سیاسی، حاکمیت فرهنگی دولت‌ها دچار خدشه شده و از همین رو، رخنه‌پذیری حاکمیت فرهنگی و لرزان شدن پایه‌های حاکمیت‌ها در منطقه پر آشوب خاورمیانه را در پی خواهد داشت. در نتیجه، پیش‌بینی این احتمال دور از انتظار نیست که فعال شدن محرک‌های تغییر در ساختار حاکمیت‌های سست و شکننده منطقه خاورمیانه، در هم‌آغوشی با پدیده درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و تأثیرپذیری روابط بین‌الملل فرهنگی از آن، به یک دگرگونی عمیق اما آرام و تدریجی، تحت عنوان «تغییر رژیم نامرئی و خودسامان فرهنگی» (Invisible Cultural Regime Change) در منطقه منتهی خواهد شد.

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

منابع

- بیگدلو، مهدی؛ هادیان، ناصر (۱۳۹۷). تأثیر کارکردهای شبکه‌های اجتماعی بر سمت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی کاربران دانشگاهی در ایران (مطالعه موردی وایبر و تلگرام)، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ششم، شماره ۱: ۷۳-۱۰۴.
- جان، تاملینسون (۱۳۸۱). جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حبیبی فهیم، حبیب‌الله (۱۳۹۰). «بررسی رابطه فضای مجازی و عام‌گرایی کاربران اینترنت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی علامه طباطبائی.
- خانیکی، هادی؛ بابایی، محمود (۱۳۹۱). تأثیر سازوکارهای ارتباطی اینترنت بر الگوهای تعامل کنشگران فضای سایبر ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره نوزدهم، شماره ۵۶: ۷۳-۱۱۶.
- دعاگویان، داود؛ محمدرضا خیراندیش (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی تحت تلفن همراه در روابط اجتماعی خانواده‌های مناطق غربی تهران بزرگ (مورد مطالعه تلگرام)، فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، سال چهاردهم، شماره ۵۳: ۱۵۶-۱۳۱.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). جهانی شدن: تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رحمن‌زاده، سید علی (۱۳۸۹). کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره اول، شماره ۱: ۴۹-۷۸.
- ریشه، گگی (۱۹۲۲). جامعه‌شناسی پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر، تهران: تیبان.
- زارع ابراهیم‌آباد، اکرم و بی‌بی سادات میراسماعیلی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر تغییر هویت فرهنگی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، مدیریت فرهنگی، سال نهم، شماره ۲۸: ۷۳-۹۳.
- سینایی، وحید و غلامرضا ابراهیم‌آبادی (۱۳۸۴). کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن و تحول فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۵: ۱۳۹-۱۰۷.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳). افسون‌زدگی جدید، هویت چهل‌تکه و تفکر سیار. ترجمه فاطمه ولیانی. چاپ هشتم، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- عبداللہی نژاد، علیرضا؛ محمدی نوسودی، سندس (۱۴۰۰). کنش‌گری اجتماعی در

- فضای مجازی (مطالعه موردی کنشگران گُرد عراق)، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره هفتاد و یکم، شماره ۳۶: ۱۲۷-۱۰۳.
- فاریابی، محمدرضا؛ جوانمرد، مهدی (۱۳۹۳). کاربرد واقعیت مجازی، تهران: مجموعه مقالات اولین همایش ملی دستاوردهای نوین در علوم مهندسی و پایه.
- فرج‌الله‌زاده سنجید، شهریار (۱۳۸۶). جهانی‌شدن فرهنگ و بنیادگرایی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران.
- فرهنگی، علی‌اکبر؛ قرائتی، علیرضا؛ کربلایی حاجی‌اوغلی، حسن (۱۳۹۳). دیپلماسی دیجیتال و روابط میان دولت‌ها در جوامع معاصر، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، دوره نهم، شماره ۲۴: ۸۹-۹۹.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۱). جهانی‌شدن همان آمریکایی‌شدن است، روزنامه جام‌جم، یکشنبه، ۷ مهرماه.
- قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۹۱). نقش شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی. پرتال سیاست ما، دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای: ۵.
- قزلسفلی، محمدتقی (۱۳۹۵). فلسفه سیاسی، تهران: انتشارات رشد آموزش.
- کاظمی نجف‌آبادی، حسنا، وحید عقیلی و علی دلاور (۱۳۹۷). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری ارتباطات بین فرهنگی (در ایران)، مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال هشتم، شماره ۱: ۱۹۹-۲۱۸.
- کریمی راهجردی، اشرف، عبدالعلی قوام، رها خرازی آذر و علی گرانمایه‌پور (۱۳۹۸). جایگاه شبکه‌های اجتماعی مجازی و پیام‌رسان موبایلی در شکل‌گیری خرد جمعی، فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین، سال پنجم، شماره ۱۷: ۳۴-۱.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۹۱). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: چاپ اکسیر.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران: نشر دیدار.
- محمود اوغلی، رضا (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات شبکه‌های اجتماعی بر کنشگری سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴: ۵۴۹-۵۶۱.
- موسوی شفقانی، سید مسعود و سمیه خداخواه آذر (۱۳۹۸). رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب دو و تحول کارگزاری در روابط بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نهم،

درونی شدن فرهنگ جدید ارتباطی و چالش‌های جدید در روابط بین‌الملل فرهنگی منطقه خاورمیانه.....

شماره ۲: ۶۸-۲۹.

- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی‌شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، تهران: سازمان

مدیریت صنعتی.

- Amini, A., Akbarsefat, M. (2016). Qatar's Modern Diplomacy and Al-Jazeera's Role in Middle East's Evolutions over the Recent Decades, Journal of Sociological Research, ISSN 1948-5468, Vol. 7, No. 1.
- Andrew Bourne, P. (2010). Unconventional political participation in a Middle Income Developing Country. Journal of social sciences.
- Baghrmian, M. & Ingram, A. (2000). Pluralism: The Philosophy and Politics of Diversity. "London New York: Routledge.
- Binsbergen, W. (1999). Globalization and Virtuality, in b. Meyer and P. Geschiere (eds) Globalization and Identity.
- Boyd, d. m., & Nickson, C. (2009). The History of Social Networking, Accessed September 12, 2010, www.digitaltrends.com/features/the-history-of-social-networking/
- Castells, M. (1997). The information age: Economy, society and culture, Vol. I & II, Translated by Aliqulian, A., Khakbazan, A., & Chavoshyan,
- Castells, M. (2009). Communication Power. UK: Oxford University.
- Ellison, N. B. (2007). "Social network sites: ". Journal of Computer-Mediated Communication, V13, article 11 Edited by Paya, A., Tehran: New Plan (in Persian).
- Held, D. (1991). "Democracy, the nation-state and the global system", Journal of Economy and Society, Volume 20, 1991 - Issue 2
- Hoogeveen, M. (2004). "Towards a Theory of effectiveness of multimedia systems". International Journal of Human-Computer Interaction.
- Hsu, T. Z. (2018). The Impact of Social Media on Cultural Adaptation Process: Study on Chinese Government Scholarship Students, Advances in Journalism and Communication, Vol.6 No.3, September, 75-89.
- Kriesi, H., Rucht, D. (1999). "Social Movements in a Globalizing World", London: MacMillan.
- Lin, Nan (2001). "Social Capital: Theory of Social Capital and action", Cambridge: Cambridge University Press
- Marwan M. K. (2017). Global Digital Culture, Convergence and Disjuncture in Global Digital Culture- An Introduction, International Journal of Communication, 11, 3808-3814.
- Mellucci, A. & Avritzer, L. (2000). "Complexity, Cultural Pluralism and Democracy". Social Science Information, Vol 39, No. 4.
- Noy, D. (2009). Material and Spiritual Conceptions of Development (A

Framework of Ideal Types), Journal of Developing Societies, 25 (3): 391-425.

- Sadykova. R., Myrzabekova. R., Moldakhmetkyzy, A. (2014). The interaction of globalization and culture in the modern world, 2nd World Conference on Design, Arts and Education DAE-2013, Procedia - Social and Behavioral Sciences, 122, 8 – 12.

- Sebastia. V. & Etal. (2009). "Lessons from Facebook: The Effect of Social Network Sites on College Students Social Capital." University of Texas at Austin, International Symposium on Online Journalism, April 2008.

- Stone, W.(2001). Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life. Australian Institute of Family Studies Research", Paper No. 24.

- Woolcock, M. and Narayan, D.(2000). "Social Capital: Implications for Development Theory, Research, and Policy", Final version submitted to the World Bank Research Observer, to be published in Vol. 15(2).

